

۲۲۱
فلا خون

از سنگر دانشگاه



کمیته دانشجویی اول اردیبهشت

فلاخن

شماره ۲۲۱

از سنگر دانشگاه

کمیته دانشجویی اول اردیبهشت

من پون

هیچکس پیش‌بینی اینچنین دانشگاهی، آن هم فقط یک ترم بعد از تعطیلی دوساله‌ی دانشگاه‌ها به بهانه‌ی کرونا را نداشت. احتمالاً حاکمیت جمهوری اسلامی هم به هیچ عنوان تصور نمی‌کرد پس از دور کردن تعدادی از دانشجویان از زمین دانشگاه و آشنا نبودن تعدادی دیگرشان به این زمین، مجبور باشد اکنون دانشگاه را خطری جدی برای حاکمیت تلقی کند. اکنون به واسطه‌ی شرایط انقلابی، جنبش دانشجویی نیز همگام با این انقلاب، قدم برمی‌دارد. و این سطح از فعالیت در دانشگاه‌ها تفاوت فاحشی از نظر آگاهی سیاسی با فعالیت دهه‌ی ۹۰ دارد. تفاوت آن را می‌توان با یادآوری علل شروع اعتراضات در دانشگاه، بهتر درک کرد. در واقع بهتر است از لفظ مبارزات دانشگاه استفاده کنیم و شاید بهتر باشد یادآوری کنیم که شروع تجمعات دانشجویی در روزهای نخست شکل‌گیری قیام در مرکز مستقیماً در پیوند با خیابان، به دلایلی سیاسی اتفاق افتاد. پیوند با شرایط انقلابی نشان از تفاوتی آشکار در آگاهی سیاسی این جنبش دارد. به همین خاطر نمی‌توان و نباید آن را در دسته‌ی اعتراضات مسالمت‌آمیز گنجانند. یعنی ادبیاتی که تشکلهایی مثل انجمن اسلامی برای مصادره‌ی فضا هنوز از آن استفاده می‌کنند. آنچه به وضوح می‌توان دید، بردن فضا به سمت «گفتگو» و مصادره‌ی این مبارزه به نام مسالمت و باقی ماندن در چارچوب قانون، گفتمانی است که نه تنها این تشکلهای که در خیلی از دانشگاه‌ها، سیستم سرکوب هم از آن برای خاتمه دادن به مبارزات دانشجویی استفاده کرد. البته که این ادبیات صرفاً بخشی از روند سرکوب دانشگاه محسوب می‌شود و چنان‌که مشخص است موفق هم نبوده است. این استفاده‌ی حداکثری از توان سرکوب، نشان از دستپاچگی سیستم و همانطور که پیداست، ناموفق بودنشان در متوقف‌سازی مبارزات دارد.

در متن حاضر قصد نداریم راهکاری واحد برای تداوم یا سازماندهی این جنبش ارائه دهیم چرا که می‌دانیم شرایط عینی در هر دانشگاه متفاوت است و امکان‌های موجود در میدان نیز بسیار مبتنی بر شرایط سرکوب مشخص می‌شود. هرچند در متون بعدی به برخی مسائل عام مربوط تداوم مبارزات اشاره خواهیم کرد اما فعلا قصد داریم مبتنی بر شرایط عینی مبارزه در دانشگاه‌ها و شیوه‌های سرکوب، امکان‌های مبارزه‌ی ازپیش‌موجود و امکان‌هایی که به تازگی موجود و در دسترس هستند را بسنجیم تا شاید بتوانیم دید بهتری نسبت به موضوع و اوضاع داشته باشیم.

تجمع

استفاده از امکان تجمع و جمع کردن جمعیت گاه‌بی‌سابقه در دانشگاه‌ها و رفته رفته رادیکال‌تر شدن شعارها و فراتر رفتن از تجمعات محافظه‌کارانه و سر دادن شعارهایی مثل "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" یا "مرگ بر دیکتاتور" و در نهایت پیوستن تعداد زیادی از این دانشجویان به خیابان، جنس این تجمعات را از دیگر تجمعات دانشجویی جدا می‌کند. البته شدت سرکوب این تجمعات نیز متناسب با رادیکال‌تر شدن آنها بیشتر شد. سرکوب تجمعات در نخستین روزها بسیار متفاوت با شرایط اکنون و سطح خشونت سرکوب در روزهای اول بسیار کمتر بود. یکی از نموده‌های سرکوب نخست بازداشت گسترده‌ی دانشجویان در پایان هفته‌ی اول و در ادامه مجازی کردن برخی دانشگاه‌ها به مدت یک یا چند هفته بود. تصور سیستم آن بود که در وضعیت فعلی بهترین گزینه دور کردن دانشجویان از زمین مادی دانشگاه است، چنان‌که در کرونا چنین کردند، اما نفهمیدن تفاوت چنین وضعیتی با دوران کرونا چیزی بود که باعث شد امکان‌های گسترده‌ی دیگری اعم از اعتصاب سراسری به روی دانشجویان گشوده شود. در ادامه همراه شدن امکان اعتصاب و بازگشت دانشجویان به دانشگاه همراه با تجمع، سطح دیگری از خشونت و سرکوب را نمایان ساخت: ضرب و شتم شدید دانشجویان، ورود نیروی امنیتی به دانشگاه و ورود مستقیم و عیان حراست و بسیج دانشگاه‌ها در همکاری با نیروی امنیتی و تداوم بازداشت گسترده‌ی دانشجویان، نموده‌های آن است. نموده‌های عیان این خشونت را در دانشگاه شریف، تبریز، کردستان (سنندج)، اصفهان، تهران و چند دانشگاه دیگر شاهد بودیم. البته هر چه سطح خشونت در سرکوب بالاتر رفت، به همان میزان خشم، شفافیت در مطرح کردن خواسته و اراده‌ی مقابله با آن هم در تجمعات بعدی دانشجویان بیشتر شد. ضمن اینکه توجه به خواست مشخص و مطرح کردن آن در این تجمعات حائز اهمیت است، یادآوری نقطه‌ی شروع و بررسی سیر و روند پیشروی آن در این نقطه نیز برای تداوم یافتن آن اهمیت دارد. با اینکه تجمع عیان‌ترین و مستقیم‌ترین نمود را در بین این مبارزات دارد اما توجه به اینکه چرا گاهی از خشم و خروش می‌افتد؟ چطور دوباره زبانه می‌کشد؟ یا اینکه آیا نیاز است آتش تجمع متداوم شعله‌کش باشد؟ سوال‌هایی است که با توجه به امکان‌های موجود در هر لحظه باید به آن توجه کرد و پاسخی مبتنی بر واقعیت به آن داد.

اعتصاب

یکی از دلایل باز شدن قفل این امکان شکل برخورد سیستم با تجمعات اولیه بود. مجازی کردن یک هفته‌ای برخی از دانشگاه‌ها و سرکوب و بازداشت گسترده و وحشیانه‌ی تعداد زیادی از دانشجویان، در کنار همبستگی خودجوش دانشجویان در روزهای قبل در تجمعات دانشجویی این امکان را که همیشه دور از ذهن به نظر می‌رسید، عملی کرد.

اعتصاب و تحریم کلاس‌ها به وضوح ضربه‌ی عظیم و گسترده‌ای به سیستم زده است که در هفته‌ی اول و دوم به دلیل حفظ گستردگی و تداومش نتایج ضربه‌زننده‌ی خود را آشکار کرد. از نموده‌های واکنش به این ضربات می‌توان به همراهی گسترده‌ی اساتید دانشگاه‌ها با دانشجویان، تهدید و ارباب آموزشی و رفاهی دانشجویان و استفاده از هر ابزاری مانند گفتگو با مسئولین برای بازگرداندن دانشجویان به کلاس‌های درس، اشاره کرد. اما استفاده از این امکان برای مدت طولانی به شکلی که در دو هفته‌ی اول جریان داشت، امکان‌پذیر نبود چرا که سرکوب آن مستقیماً زیست‌عده‌ی زیادی از دانشجویان در خوابگاه را هدف قرار داد. به علاوه از تعداد دانشجویان در دانشگاه در هفته‌های سوم و چهارم کاسته و امکان سرکوب و شناسایی بیشتر دانشجویان معترض در دانشگاه بیشتر شد. نکته‌ی حائز اهمیت در این امکان آن است که بدانیم چه زمانی می‌توان آن را موقتا خاتمه داد. در هفته‌ی پنجم شاهد شکست این اعتصابات در خیلی از دانشگاه‌ها و بازگشت به امکان تجمع گسترده در دانشگاه‌ها بودیم. این بازگشت به دانشگاه مشروط بر خاتمه یافتن سرکوب‌ها و آزادی بی‌قید و شرط تمام دانشجویان بود که با سرکوب دوباره‌ی دانشجویان و ممنوع‌الورود کردن عده‌ی کثیری از دانشجویان به دانشگاه و در برخی موارد به خوابگاه، ساختن پرونده‌های انضباطی گسترده برای دانشجویان، تهدید به اخراج، تداوم امنیتی بودن فضای دانشگاهی و همچنان ادامه‌ی بازداشت گسترده‌ی دانشجویان، دوباره این امکان نمایان شد. کنش اعتصابی در سطح گسترده، باید به گونه‌ای باشد که فشار حداکثری برای ضربه به سیستم را فراهم کند. این کنش مشخصاً به معنی تصاحب دانشگاه و برگرداندن آن به صاحبان اصلی آن است. به همین خاطر خالی کردن دانشگاه از دانشجو به واسطه‌ی اعتصاب، امکان تداوم آن را کاهش می‌دهد و فضایی که باید پس گرفته شود را رها می‌سازد. حال آنکه قابل درک است که به دلیل خشونت شدید و به خطر افتادن امنیت در فضای بسته‌ی دانشگاهی، دانشجوی معتصب دانشگاه را خالی کند. به همین دلیل شکست موقت اعتصاب به معنی عقب‌نشینی از مقاومت و مبارزه نبود. اتفاقاً راهی بود برای تداومش با تغییر عملکرد با توجه به سنجش امکان‌ها.

بیانیه‌ها

در این مدت شاهد صدور بیانیه‌های بسیار زیادی از جانب تشکل‌ها یا جمع‌های دانشجویی بودیم. تا حدی می‌توان به تاثیر این بیانیه‌ها در زنده نگه‌داشتن جو اعتراضی در هفته‌های اول اشاره کرد. اما در هفته‌ی چهارم

تا چه اندازه می‌توان به منشا واقعی امضاکنندگان این بیانیه‌ها اعتماد کرد؟ اصلاً آیا کارکرد اصلی بیانیه‌ها وابسته به امضاکنندگان آن است؟ با توجه به شرایط واقعی، می‌توان ادعا کرد متون منتشرشده در اعلام همبستگی مجدد دانشجویان با قیام ژینا در روزهای اخیر کمتر منشا واقعی داشته، اما به نظر می‌رسد کارکرد این بیانیه‌ها نه اعلام تعداد افراد بلکه اعلام مواضع و یادآوری موضع برای دیگران است. به همین دلیل تصور می‌کنیم نوشتن متون کوتاه به هدف یادآوری و تداوم مقاومت می‌تواند اثرگذار باشد هرچند به هر لحاظ امضای پای هر بیانیه باید منشائی مادی و امضاکننده‌ای واقعی داشته باشد.

مختلط شدن سلف‌ها

پیش از این بارها بر سر مختلط شدن سلف‌ها اعتراضاتی صورت گرفته بود اما این بار اعتراض به سلف‌ها و فضاهای تفکیک‌شده به شکل دیگری بروز پیدا کرد. دست گذاشتن روی مقوله‌ی مرتبط با جنسیت برای مبارزه و جایگزین کردن این امکان بجای تجمع، و هم‌چنین بازپس‌گیری فضا به مثابه یک فضای عمومی و جمعی و متعلق به همه فارغ از جنسیت و همگام شدن آن با انقلاب زنانه، کنش را از یک درخواست و مطالبه‌ی بی‌اهمیت در شرایط فعلی، آنجنان که در روزهای نخست گفته می‌شد، فراتر راند. عدم عقب‌نشینی دستگاه حکومتی و سرکوب این کنش نیز ثابت می‌کند که از این امکان تا چه اندازه درست و به‌جا استفاده شده است. این اعتراض، اعتراضی از روی ناچاری و عدم امکان تجمع نبود. به‌علاوه، زمانی که سیستم با تمام توان تلاش می‌کند در مقابل خواست دانشجویان عقب‌نشیند، این کنش می‌تواند نیرو و انرژی سرکوب را در کنش‌های مختلف تقسیم کند. و عقب‌نشینی سیستم، در هر سطحی، می‌تواند برای تداوم مبارزات امیدوارکننده باشد. هم‌چنین این کنش امکان خلاقیت در مبارزه را هم گشود که نمونه‌هایی مثل تغییر مکان سلف به راهروها، لابی‌ها، سالن‌ها و حیاط و یا پس گرفتن فضاهای غذاخوری و استفاده از آن به عنوان فضایی برای اعتراض و اعتصاب را می‌توان مثال زد. این کنش به همان اندازه حائز اهمیت است که حضور زنان بدون حجاب در خیابان‌ها و حتی در خود دانشگاه اهمیت دارد. نمودی واضح و شفاف از شعار زن، زندگی، آزادی را می‌توان در چنین کنش‌هایی دید.

شوراهای صنفی

واضح است که اعضای شوراهای صنفی به واسطه‌ی سطح بالایی از فعالیت علنی بیش از دیگران در معرض تهدید و ارباب و یا بازداشت قرار دارند.

بدیهی است شورای صنفی به عنوان نهادی که در چارچوب آیین‌نامه‌ای حق فعالیت دارد و این فعالیت کاملاً علنی محسوب می‌شود، با محدودیت‌هایی مواجه باشد. همین‌طور بدیهی است که شورای صنفی نتواند از ظرفیت‌های کامل رسانه‌ای خود استفاده کند. از همین‌رو نمی‌توان انتظار سطح بالایی از رادیکالیسم را از این نهاد داشت.

حتی گاهی به دلیل چنین حجمی از سرکوب این نهاد، شاهد عقب‌نشینی کامل شوراها بوده‌ایم. در واقع پیش‌بینی حد پیش‌روی و امکان‌های شوراهای صنفی بعد از چند سال برای سرکوب‌گران اصلا دشوار نیست. و این موضوع باعث می‌شود بتوانند به هر طریقی جلوی این پیش‌روی را بگیرند.

در چنین شرایطی تمرکز روی شوراهای صنفی و حتی تمرکز روی نقد عملکرد رفقای عضو شورای صنفی و فشار آوردن بابت اعلام موضع، به خطر انداختن جان و امکان فعالیت این رفقا است. شورای صنفی به عنوان یک نهاد می‌تواند از امکان‌های خود برای پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشت‌شده، پیگیری وضعیت دانشجویان ممنوع‌الورود و احضار شده به کمیته‌ی انضباطی، پیگیری تخلفات حراست و دانشگاه، و از مشروعیت خود نیز برای ارتباط با بدنه و آگاهی‌سازی نسبت به حقوق دانشجویی و از ظرفیت رسانه‌ای خود برای خبرسانی استفاده کند. شورای صنفی می‌تواند به عنوان نهاد در کنار بدنه‌ی فعال دانشجو و این جریان بایستد اما نه بیش از آن.

جمع‌بندی

قطعا در این مدت امکانات دیگری هم پدیدار شده که در این متن گنجانده نشده است اما اصل حرف آنکه توجه به امکانات، ترکیب آن‌ها و یا در صورت لزوم تغییر و رها کردن موقت برخی از این امکانات می‌تواند به تداوم همبستگی کمک کند. چیزی که مبرهن به نظر می‌رسد همبستگی بی‌سابقه‌ی دانشگاهیان با یکدیگر و با مردم است. تصور این همبستگی تا پیش از قیام ژینا دور از ذهن بود و همچنان باورش دشوار است. طبیعی است که حفظ این همبستگی در شرایط فعلی دشوار و بی‌نتیجه به نظر برسد اما بالا بردن آگاهی سیاسی نسبت به شرایط مبارزه و نگاهی تحلیل‌گرایانه به واقعیت موجود و تحلیل رفتار سیستم در مقابل این اعتراض/مبارزه می‌تواند راهکارهای بیشتری را برای تداوم جلوی پای‌مان بگذارد. ضمن اینکه ایجاد ارتباط بین فعالین در دانشگاه‌های مختلف به هر نحوی ضروری است. در واقع ایجاد این ارتباط در هر شرایطی ضروری است اما در شرایط فعلی این امکان بیش از پیش فراهم است و ارتباط به سازماندهی و استفاده‌ی سازماندهی‌شده از این امکان‌ها کمک می‌کند. این موضوعی است که در متون بعدی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

منڙپوڻ
Manjanigh

